

زیارت غدیریه از منظر روش تفسیری مصداق‌یابی

میثم خلیلی (دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم آمل)

meysam.khalili1370@gmail.com

دکتر سید عبدالله اصفهانی (استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم)

sm.khalili1370@chmail.ir

سیده فاطمه حسینی (دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران)

fatemehhosseini113@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۰)

چکیده

زیارت غدیریه از زیارات مشهور و معتبر شیعه است که در برخی کتاب‌های ادعیه و زیارات، با سند معتبر از امام هادی علیه السلام نقل شده است. در این زیارت، ۵۰ آیه از قرآن کریم تجلی یافته است. پرسش پژوهش حاضر این است که آیات مذکور در زیارت غدیریه، چه مصدایقی دارند و چه حوزه‌هایی را شامل می‌شوند؟ این مقاله در صدد است با روش توصیفی-تحلیلی، ضمن بررسی سندی زیارت غدیریه، با استناد به محتوای زیارت و روایات تفسیری فریقین، مصداق آیات این زیارت را شناسایی نماید. بررسی‌ها نشان می‌دهد وثاقت تمامی رجال سلسله سند و قوت محتوایی زیارت، نشان از صحیح بودن زیارت دارد. بسیاری از آیات تجلی یافته در این زیارت در حوزه ولایت امام علی علیه السلام هستند که با بررسی آن‌ها می‌توان گفت امام علی علیه السلام در مصداق برخی آیات، با برخی اولیای الهی و مؤمنان شریک است؛ مصداق برخی آیات نیز منحصر به امیرالمؤمنین علی علیه السلام است.

کلید واژه‌ها: امام علی علیه السلام، زیارت غدیریه، روش تفسیری، مصداق‌یابی.

مقدمه

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام منسوب به «غدیریه» از زیارت‌های مشهور و معتبر شیعه به شمار می‌رود. این زیارت با سند کامل از امام هادی علیه السلام در برخی کتاب‌های روایی شیعه نقل شده است. امام هادی علیه السلام در این زیارت، به ۵۰ آیه در فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره می‌کند و به صورت مفصل درباره جایگاه امام علی علیه السلام سخن می‌گویند. نمود ویژه آیات قرآن، موجب تمایز این زیارت با دیگر ادعیه و زیارات می‌شود. به سبب همین ویژگی، زیارت مذکور از نظر محتوایی از جایگاه والایی برخوردار است و کمتر زیارتی را می‌توان همتای آن دانست. این نوشتار، ضمن بررسی مختصر سند این زیارت، به شناسایی آیات حوزه ولایت در آن می‌پردازد.

۱. بیان مسئله

به اعتقاد شیعه، امام علی علیه السلام ولی و جانشین بلافصل رسول خدا صلی الله علیه و آله است. در اثبات این موضوع دلایل بسیاری از سوی شیعیان مطرح شده و از مهم‌ترین این دلایل، استناد به آیات قرآن کریم است. علاوه بر قرآن، مراجعه به آثار به‌جای‌مانده از معصومین علیهم السلام، موجب فهم و شناخت درست آیات ولایت می‌گردد. از جمله این آثار، زیارت غدیریه هست که به امام هادی علیه السلام نسبت داده می‌شود. هدف از پژوهش حاضر پاسخ‌گویی به پرسش زیر است:

آیات نقل شده در خطبه غدیریه شامل چه مصادیقی می‌شود؟

در راستای دست‌یابی به این هدف، جستار حاضر ضمن تعریف روش تفسیری تعیین مصداق، به بررسی مصداقی آیات نقل شده در زیارت غدیریه می‌پردازد. مقاله پیش رو که در زمره پژوهش‌های بنیادین است، با روش توصیفی-تحلیلی این موضوع را بررسی می‌کند.

۲. پیشینه تحقیق

پیرامون بررسی آیاتی که در شأن امام علی علیه السلام نازل شده‌اند و به ولایت ایشان دلالت دارند، آثار مستقلی نگاشته شده است. برخی از این آثار عبارت‌اند از: مکارم شیرازی (۱۳۸۱): آیات ولایت در قرآن؛ نجارزادگان (۱۳۸۸): بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت اهل‌البیت علیهم السلام در دیدگاه فریقین؛ مرتضوی (۱۳۹۳): آیات ولایت در قرآن. اما در موضوع شناسایی آیات ولایت در زیارت غدیر، اثر مستقلی مشاهده نشد. هر چند در پایان نامه‌ای به‌جایگاه امیرالمؤمنین علیه السلام در حوادث صدر

اسلام از دیدگاه زیارت غدیریه پرداخته شده است: صیادی (۱۳۹۳)؛ اما پژوهش مذکور، این زیارت را از دیدگاه تاریخی بررسی کرده است. این مقاله تلاش می‌کند آیات حوزه ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را در زیارت غدیر، بررسی و تحلیل کند تا کوششی در راستای اثبات امامت و ولایت بلافصل امام علی علیه السلام باشد.

۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

با توجه به این که موضوع امامت از اصول دین است، پرداختن به موضوعات اثبات امامت به خصوص با رویکرد قرآنی امری ضروری است. چرا که قرآن کریم معجزه‌ای جاویدان است و هیچ باطلی در آن راه ندارد. (فصلت: ۴۲). هم‌چنین شناسایی مصداقی آیات قرآن، با توجه به سخنان ائمه اطهار علیهم السلام که مبین و مفسر قرآن هستند، می‌تواند تلاش در راستای امامت‌پژوهی و استحکام اعتقاد به آن باشد.

۴. بررسی سندی زیارت غدیریه

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام منسوب به زیارت غدیریه، به وسیله برخی مؤلفین کتاب‌های زیارت و حدیث مانند المزار الکبیر (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۲۶۳-۲۸۲)، المزار (شهید اول، ۱۴۱۰ق: ۶۴-۸۹)، بحار الأنوار (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۵۹/۹۷-۳۶۸) و زادالمعاد-مفتاح الجنان (همو، ۱۴۲۳ق: ۴۶۶-۴۷۵) نقل شده است. برخی مؤلفین، مانند علامه مجلسی در بحار الأنوار، متن کامل زیارت را بدون ذکر کامل سلسله سند و به صورت مرسل آورده‌اند. برخی نویسندگان نیز با ذکر سند کامل، این زیارت را از امام هادی علیه السلام نقل نموده‌اند.

یکی از قدیمی‌ترین متونی که زیارت غدیریه در آن نقل شده، کتاب المزار الکبیر است که در پژوهش حاضر، در بحث پیرامون آیات حوزه ولایت امام علی علیه السلام در زیارت غدیریه، به این کتاب ارجاع داده می‌شود. ابن مشهدی در این کتاب، متن زیارت غدیریه را از امام هادی علیه السلام و با سند زیر نقل نموده است:

وَأَخْبَرَنِي الْفَقِيهُ الْأَجَلُّ أَبُو الْفَضْلِ شَاذَانَ بْنَ جَبْرِئِيلَ الْقُمِّيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ الْفَقِيهِ الْعِمَادِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ الطَّبْرِيِّ، عَنِ أَبِي عَلِيٍّ، عَنِ وَالِدِهِ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ النَّعْمَانِ، عَنِ أَبِي الْقَاسِمِ جَعْفَرِ بْنِ قَوْلُوبِهِ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ، عَنِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنِ أَبِيهِ، عَنِ أَبِي الْقَاسِمِ بْنِ زَوْجِ وَ عَثْمَانَ بْنِ سَعِيدِ

الْعُمَرِيُّ، عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا
(ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۲۶۳)

شیخ عباس قمی در هدیه الزائرین، در توضیح اعتبار سند زیارت و پیرامون اتقان سند و استحکام صدور آن می نویسد:

شیخ جلیل محمد بن المشهدی یکی از بزرگان علما است. وی در مزار کبیر برای این زیارت شریف، سند بسیار معتبری ذکر نموده که کمتر خبری به قوت سند او می رسد. و این سلسله شریفه همه از اعیان علما و شیخ طایفه و رؤسای مذهب- اند. و جناب ابوالقاسم حسین بن روح و عثمان بن سعید، هر دو از نواب امام عصر (عج) هستند و بعد از تأمل معلوم می شود که در تمام زیارات مأثوره، زیارتی به این وجه از صحت و اعتبار و قوت سند پیدا نمی شود (قمی، ۱۳۸۳: ۲۴۱-۲۴۲).

صرف نظر از دیدگاه شیخ عباس قمی، با بررسی تک تک رجال سلسله سند زیارت، می توان صحت زیارت را اثبات نمود. چرا که با بررسی رجال سند زیارت، وثاقت تمام راویان ثابت می شود:

۱. أَبُو الْفَضْلِ شَادَانَ بْنِ جَبْرِئِيلَ الْقُمِّيِّ: شیخ الجلیل الثقة، کان عالماً فاضلاً، عظیم الشان، جلیل القدر (خویی، ۱۹۹۲م: ۷/۹)؛

۲. الْعِمَادِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ الطَّبْرِيِّ: فقیه، ثقه، جلیل القدر، محدث (همان، ۳۰۷/۱۵-۳۰۸)؛

۳. ابی علی حسن بن محمد بن الحسن: فقیه، ثقه، عین، کان عالماً فاضلاً، محدثاً جلیلاً (همان: ۱۱۴/۵)؛

۴. عَنْ وَالِدِهِ = محمد بن الحسن (شیخ طوسی): جلیل فی أصحابنا، ثقه، عین و... (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۴۰۳)؛

۵. مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ (شیخ مفید): یوصف فی الفقه و الکلام و الروایة و العلم (همان: ۳۸۷) کان مقدماً فی العلوم و کان فقیهاً متقدماً، حسن الخاطر، دقیق الفطنة، حاضر الجواب (طوسی، ۱۳۷۳: ۲۳۸)؛

۶. ابی الْقَاسِمِ جَعْفَرِ بْنِ قَوْلَوِيهِ: کان من ثقات أصحابنا و أعلامهم فی الحدیث و الفقه و کلّ ما یوصف به الناس من جمیل و ثقة فهو فوقه (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۲۴۹)؛

۷. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ: أوثق الناس في الحديث و أثبتهم صدق (خوبی، ۱۹۹۲م: ۵۴۰/۱۹)؛
۸. عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ: صاحب التفسیر، هو الثقة الجلیل (مامقانی، ۱۳۵۲: ۲/۲۶۰) ثقة فی- الحديث، ثبت، معتمد، صحیح المذهب (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۲۶۰)؛
۹. عَنْ أَبِيهِ = إِبرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ: ثقة، إعتمدوا علی روایاته (خوبی، ۱۹۹۲م: ۱/۱۳۸)؛
۱۰. ابی الْقَاسِمِ بْنِ رُوحٍ: هو أحد السفراء و النواب الخاصة. و شهرة جلالته و عظمته وثاقته (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۲۶۳)؛
۱۱. عُثْمَانُ بْنُ سَعِيدٍ الْعُمَرِيُّ: جلیل القدر، ثقة، عادل، الأمين (خوبی، ۱۹۹۲م: ۱۱/۱۱۲)؛ در نتیجه، وثاقت تمامی رجال سلسله سند، نشان از صحیح بودن زیارت دارد.

۵. روش تفسیری مصداق‌یابی

بدون شک روایات یکی از مهم‌ترین منابع دینی در تفسیر قرآن کریم به شمار می‌روند (علوی‌مهر، ۱۳۸۱: ۸۸). یکی از گونه‌های مهم روایات تفسیری، روایات تعیین‌کننده مصداق است. در بخشی از روایات تفسیری برای مفاهیم عام آیات، یک یا چند مصداق محدود خارجی برشمرده شده است (نصیری، ۱۳۸۵: ۴۴۸). از رهگذر این مصادیق، مفاهیم و مقاصد نهفته شده در آیات برای مخاطب روشن شده و فهم آیات تا حدودی میسر می‌شود و با دقت در این مصادیق به نوعی تعمیم درباره مفاهیم آیات می‌رسد. توضیح این‌که: قرآن کتاب هدایت و همگانی است و به افراد خاص و یا عصر و دوره‌ای معین اختصاص ندارد، لذا باید در همه دوره‌ها و سده‌ها نقش هدایتی خویش را ایفا کند و آیات آن بر مصادیق و موارد مختلف در اوضاع و شرایط گوناگون هر دوره قابل تطبیق باشد، چرا که معارف بلند و قوانین آن حقیقت‌هایی هستند که به دوران خاص و افراد ویژه‌ای اختصاص ندارند (ناصر، ۱۳۸۷: ۶۹).

ائمه اطهار علیهم‌السلام با هدف جاری ساختن آیات قرآن در زمان خویش، به بیان مصادیق آیات پرداخته‌اند. با بررسی این مصادیق می‌توان به الگوی کامل‌تری از روش تفسیر قرآن دست یافت. به دلیل همین رویکرد خاص، بسیاری از روایاتی که در تفاسیر روایی آمده و از آن به‌عنوان «روایات تفسیری» یاد شده، تفسیر آیه نیست؛ زیرا تفسیر به مفهوم بیان معانی الفاظ و جمله‌های قرآنی است و بیش‌تر آن احادیث، از این قبیل نیست؛ بلکه در پی تطبیق آیه بر برخی مصادیق، و در

موارد فراوانی، تطبیق بر بارزترین مصداق آن است (جوادی آملی، ۱۳۷۸ ش: ۱/۱۶۷). این گونه روایات، بر فرض صحت و تمامیت سند و جهت صدور، هرگز گستره شمول و عموم معنای آیه را محدود نمی‌کند و بیان مصداق تام یا یک مصداق، مصادیق دیگر را نفی نمی‌کند و دست مفسر را در تطبیق آیه بر سایر مصادیق آن نمی‌بندد؛ بلکه آیه دارای معنایی عام است و هم‌چنان به عمومی بودن خود باقی است (همان: ۱۶۸).

گرچه روایات تطبیقی، تفسیر نیست، ولی نشان دادن مصداق برای آیات، به مفسر کمک می‌کند و راه را برای ارائه معانی کلی بر او هموار خواهد ساخت. چه این که بررسی ویژگی‌های مصادیق ارائه شده و ارزیابی و تحلیل آن در کشف معانی آیات مؤثر خواهد بود (رستمی، ۱۳۸۰: ۱۷۰).

۶. شناسایی مصادیق آیات در زیارت غدیریه

در زیارت غدیریه، مجموعه‌ای از آیات در حوزه ولایت اهل‌البت علیهم‌السلام ذکر شده است. با رجوع به شأن نزول‌های مطرح شده پیرامون آیات مطرح شده در این زیارت، مشخص می‌شود تعدادی از این آیات، درصدد بیان فضایل یا یادآوری ولایت اهل‌بت علیهم‌السلام به صورت مطلق است؛ آیتی نیز به صورت مصداقی خاص، درصدد بیان فضایل امام علی علیه‌السلام است. در آیتی نیز به فضایل مشترک امام علی علیه‌السلام و برخی صحابه اشاره شده است. در این جستار، این آیات به دو دسته کلی تقسیم شده‌اند:

۱-۶. مصداق آیات مشترک میان امام علی علیه‌السلام با اولیای الهی و برخی مؤمنان

آیاتی که در حوزه ولایت، در زیارت غدیریه نقل شده است، در مواردی به برخی معصومین علیهم‌السلام یا صحابه ناظر است که با رجوع به سبب نزول‌های منقول در منابع فریقین می‌توان این شمول مصداقی را دریافت.

در فرازی از زیارت غدیر، پس از اقرار به شهادت ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، گواهی داده شده که حضرت و نزدیکانشان آن‌هایی هستند که با جان و مال خود با خدا معامله کردند و درباره آن‌ها نازل شده:

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى

بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبَشِرُوا بِنَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (توبه: ۱۱۱)؛

خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد؛ (به این گونه که:) در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند؛ این وعده حقیقی است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده؛ و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا کرده‌اید؛ و این است آن پیروزی بزرگ! (ابن‌مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۲۶۵).

خدای سبحان در این آیه به کسانی که در راه خدا با جان و مال خود جهاد می‌کنند وعده قطعی بهشت می‌دهد و می‌فرماید این وعده را در تورات و انجیل هم داده، همان‌طور که در قرآن می‌دهد. خداوند این وعده را در قالب تمثیل بیان نموده و آن را به خرید و فروش تشبیه کرده است. یعنی خود را خریدار و مؤمنین را فروشنده و جان و مال ایشان را کالای مورد معامله، و بهشت را قیمت و بها، و تورات و انجیل و قرآن را سند آن خوانده است. در آخر مؤمنین را به این معامله بشارت داده و به رستگاری عظیمی تهنیت گفته است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۵۳۸/۹). در تفسیر قمی، ضمن نقل روایتی ذیل آیه کریمه، ائمه اطهار علیهم‌السلام مصادیق آیه و صفات نام‌برده شده در آن عنوان شده‌اند و شأن نزول آیه به ائمه معصومین علیهم‌السلام منحصر شده است (قمی، ۱۳۶۳ق: ۳۰۶/۱). هم‌چنین در روایتی از مناقب ابن‌شهر آشوب، به نقل از جابر بن عبدالله انصاری، این آیه فضیلتی برای امام علی علیه‌السلام عنوان شده است. چرا که حضرت نخستین فردی بود که به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ایمان آورد و جهاد نمود و به عهد خود پایبند ماند (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ۲۱/۲). روایات تفسیری مذکور تأییدی است بر این که در آیه دلالتی بر فضیلت امیرالمؤمنین علیه‌السلام وجود دارد. حضرت به عهدی که با خدا و رسولش بسته بود وفادار ماند و در بهشت رضوان الهی و رستگاری حقیقی دست یافت.

در قسمتی از زیارت، حضرت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام امیرمؤمنان، سیدالوصیین، اول‌العابدین و آرزودالزاهدین لقب گرفته است. پس از ذکر این القاب، به ماجرای بخشش طعام توسط حضرت و اهل بیت علیهم‌السلام به مسکین، یتیم و اسیر که منجر به نزول آیاتی از سوره مبارکه انسان گردید؛ اشاره شده است: ﴿يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَتْ شَرُّهُ مُسْتَنْطِرًا* وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا

وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (انسان: ۷-۸) (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۲۷۳). این آیات در فضیلت اهل بیت علیهم السلام نازل شده است که امیرالمؤمنین علیه السلام نیز با ایشان در فضیلت آیه شریک است.

روایات تفسیری بسیاری در ذکر سبب نزول این آیه و جریان بخشش طعام به مسکین، یتیم و اسیر، در منابع فریقین نقل شده است. از جمله در تفسیر «مقاتل بن سلیمان» یکی از وجوه تفسیری آیه هفتم سوره انسان این گونه بیان شده که آیه در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است (بلخی، ۱۴۲۳ق: ۵۲۶/۴). در تفسیر «بحرالعلوم» شأن نزول آیه پیرامون بخشش طعام به مسکین و یتیم و اسیر نقل شده است (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ۵۲۶/۳). شیخ طوسی در تفسیرش، روایات مربوط به نزول آیات مذکور در شأن اهل بیت علیهم السلام را به بسیاری از مفسران فریقین نسبت می دهد (طوسی، بی تا: ۲۱۱/۱۰). میبیدی در کشف الأسرار، این شأن نزول را طی روایتی از ابن عباس، به تفصیل بیان نموده است (میبیدی، ۱۳۷۱ش: ۳۱۹/۱۰).

در تفسیر «انوارالتنزیل» نیز این شأن نزول از ابن عباس نقل شده است (بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۲۷۰/۵). در تفسیر «الدرالمنثور»، این شأن نزول از ابن مردویه و ابن عباس نقل شده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۲۹۹/۶). از دیگر شواهد تأیید این شأن نزول، سیاق آیات مذکور است. سیاق این آیات سیاق داستان سرایی است، داستان مردمی از مؤمنین که قرآن آنان را «اِبرار» خوانده، و از پاره ای کارهایشان یعنی وفای به نذر و اطعام مسکین و یتیم و اسیر خبر داده، ایشان را می ستاید، وعده جمیل به آنان می دهد. معلوم می شود سبب نزول این آیات هم همین داستان بوده، و این داستان در خارج واقع شده نه اینکه بخواهد یک قصه فرضی را جعل کند، آثار خوب آن را بر شمارد، و کسانی را که آن چنان عمل کنند وعده جمیل بدهد.

نکته دیگری که باید بدان توجه داشت این است که در این آیات یکی از سه طایفه ای که به وسیله ابرار اطعام شده اند اسیر دانسته، و این خود شاهد بر آن است که آیات در مدینه نازل شده، و داستان بعد از هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و قوت یافتن اسلام، و غلبه مسلمین بر کفار و مشرکین اتفاق افتاده، نه قبل از آن (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۲۰۳/۲۰). در نتیجه، شأن نزول های بیان شده و دلالت آیه بر اثبات فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام مؤید فراز مذکور از زیارت غدیریه است.



پس از بیان شأن نزول آیاتی از سوره انسان، در قسمت بعدی زیارت غدیریه، به نزول آیه نهم سوره حشر در شأن اهل بیت علیهم السلام اشاره شده است: ﴿وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (حشر: ۹؛ ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۲۷۳).

ترجیح دادن دیگران بر خویشان، به رغم نیازمندی، امری است که تنها جان فشانی با آن برابری می کند (سبزواری، ۱۴۲۴ق: ۲۹۰/۷). با مراجعه به شأن نزول هایی که فریقین برای این آیه نقل نموده اند، این مطلب ثابت می شود که این آیه نیز در شأن اهل بیت علیهم السلام و در ازای بخشش طعام به سائل با وجود نیاز شخصی، نازل شده است.

در این زمینه روایت شده که مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از گرسنگی شکایت کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به خانه های همسرانش فرستاد و آنان گفتند: جز آب چیزی نداریم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چه کسی امشب این مرد را نگه داری می کند؟ علی بن ابی طالب علیه السلام عرض کرد: من یا رسول الله. و آمد نزد فاطمه علیها السلام. او گفت: جز غذای یک شام چیزی نداریم ولی ما میهمانمان را بر خود مقدم می داریم. پس علی علیه السلام گفت: ای دختر محمد صلی الله علیه و آله فرزند را بخوابان و چراغ را خاموش کن، وقتی صبح شد و علی علیه السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت قضیه را به رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر داد. چیزی نگذشت که خدای تعالی این آیه را نازل نمود (گنابادی، ۱۴۰۸ق: ۱۶۳/۴).

بسیاری از مفسران فریقین، ذیل آیه این شأن نزول را نقل نموده اند. حاکم حسکانی در «شواهد التنزیل» طی نقل دو روایت، این شأن نزول را نقل کرده است (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۳۳۱/۲). در تفسیر «روض الجنان» داستان مذکور در ذیل آیه ۳۶ سوره حشر نقل شده است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۲۴/۱۹). طبق شأن نزول های مطرح شده و فراز مذکور از زیارت غدیریه، باید گفت فضیلت اهل بیت علیهم السلام و امام علی علیه السلام از آیه مذکور قابل اثبات است و حضرت یکی از مصادیق افرادی است که بر خود سخت گرفته و غذای خود را به سائل بخشیدند.

در فرازی دیگر از زیارت، ائمه اطهار علیهم السلام از مصادیق صادقین در آیه ۱۱۹ توبه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ معرفی شده اند (ابن مشهدی، ۱۳۹۴ق: ۲۷۷). در آیه مذکور به تبعیت از راه و روش افرادی اشاره شده که در گفتار و کردار راست گو هستند و فرمان به مصاحبت و پیروی از فرمان ها ایشان داده شده است (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۱۲۲/۵). اما در دلالت مصداقی آیه شریفه بر اهل بیت علیهم السلام، علاوه بر فراز مذکور از زیارت غدیریه می توان به روایات تفسیری فریقین نیز مراجعه نمود. عیاشی در تفسیر خود (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۱۶/۲) طی یک

روایت، و فرات کوفی در تفسیرش، طی نقل پنج روایت، مقصود از «صادقین» را در آیه ۱۱۹ سوره توبه، علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ و ائمه پس از ایشان می‌دانند (فرات کوفی، ۱۴۱۱ق: ۱۷۵/۱). در تفسیر «مجمع البیان» نیز این تفسیر از آیه نقل شده است (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۱۲۲/۵). هم‌چنین در برخی روایات تفسیری، مصداق «صادقین» در آیه، علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و اصحاب ایشان عنوان شده است. این معنا را ثعلبی (۱۴۲۲ق) در تفسیرش (۲۰۸/۵)، حسکانی (۱۴۱۱ق) در شواهد التنزیل (۳۴۱/۱)، سیوطی (۱۴۰۴ق) در الدر المنثور (۲۹۰/۳) و... نقل نموده‌اند. لذا با در کنار هم نهادن این قسمت از زیارت غدیریه و روایات تفسیری فریقین، دلالت مصداقی آیه بر امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ واضح است.

در زیارت غدیر، پس از آن که به درجه رفیع اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در امت و برتری و رفعت منزل و شرافت ایشان تأکید شده به آیه تطهیر و نزول آن در شأن ایشان اشاره شده است (ابن مشهدی، ۱۳۹۴ق: ۲۷۵).

آیه ۳۳ سوره احزاب که به آیه تطهیر مشهور است، برتری و عصمت اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را که همان عترت ایشان هستند، یادآور می‌شود. طبق دیدگاه علامه طباطبایی ذیل آیه ۳۳ احزاب: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»:

کلمه «إِنَّمَا» در آیه انحصار خواست خدا را می‌رساند، و می‌فهماند که خدا خواسته رجس و پلیدی را تنها از اهل بیت دور کند، و به آنان عصمت دهد. و کلمه «أَهْلَ الْبَيْتِ» چه اینکه صرفاً برای اختصاص باشد، تا غیر از اهل خانه داخل در حکم نشوند، و چه این که این کلمه نوعی مدح باشد، و چه اینکه ندا، و به معنای «ای اهل بیت» بوده باشد، دلالت دارد بر این که دور کردن رجس و پلیدی از آنان، و تطهیرشان، مسئله‌ای است مختص به آنان، و کسانی که مخاطب در کلمه «عنکم» از شما» هستند. بنا بر این در آیه شریفه در حقیقت دو قصر و انحصار به کار رفته: یکی انحصار اراده و خواست خدا در بردن و دور کردن پلیدی و تطهیر اهل بیت؛ دوم انحصار این عصمت و دوری از پلیدی در اهل بیت» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۱۶/۴۶۲).

با در کنار هم نهادن فراز خطبه غدیریه و نقل مذکور از علامه طباطبایی و هم‌چنین روایات مربوط به شأن نزول آیه تطهیر در منابع فریقین، می‌توان نزول آیه را در شأن افرادی خاص دانست که همان عترت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و اصحاب کسا هستند. طبری (۱۴۱۲ق) در تفسیرش، نزول این آیه را در شأن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ، حضرت فاطمه (س)، امام حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ و امام

حسین علیه السلام، طی دو روایت از انس بن مالک و ابوسعید خدری نقل نموده است (۶/۲۲). ابن ابی حاتم رازی این شأن نزول را از ابوسعید خدری نقل نموده است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق: ۳۱۳۲/۹).

در تفسیر الکشف والبیان ذکر نزول آیه در شأن پنج تن آل عبا علیهم السلام به اکثر مفسران نسبت داده شده است. (ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ۳۶/۸). هم چنین این شأن نزول را طبرانی در تفسیرش از ابوسعید خدری نقل نموده است (طبرانی، ۲۰۰۸م: ۱۹۳/۵). در منابع شیعه نیز اخبار نزول این آیه در شأن اهل بیت علیهم السلام بسیار است. به عنوان نمونه در التبیان شیخ طوسی (بی تا) این شأن نزول از ام سلمه نقل شده است (۳۴۰/۸). در تفسیر «مجمع البیان» نیز چند روایت در این زمینه با سندهای مختلف نقل شده است (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۵۵۹/۸).

اما علاوه بر شأن نزول های مذکور، یکی از دلایل قطعی نظریه انحصار آیه تطهیر به خمس طیبه علیهم السلام احادیث معتبری است که به حدیث «کسا» مشهور است و در این حدیث شریف این مطلب عنوان شده که پیامبر صلی الله علیه و آله خمس طیبه علیهم السلام را در عبایی داخل کرده و از خداوند پاک گرداندن کامل آنان از هر گونه پلیدی را درخواست می نماید و سپس آیه تطهیر نازل می شود. لازم به ذکر است افرادی مانند فخر رازی (۱۳۵۷ق: ۲۴۷/۸)، ذهبی (۱۴۱۳ق: ۷۵/۲)، آلوسی بغدادی (۱۴۱۵ق: ۱۹۵/۱۱) و... صحت حدیث کسا را مورد اتفاق بین اهل تفسیر و حدیث می دانند.

طبق فراز مذکور از خطبه غدیر، شأن نزول های مذکور و حدیث مشهور کسا، انحصار مصداقی «اهل بیت» به خاندان عصمت علیهم السلام واضح است. در فرازی دیگر از زیارت غدیریه، از امیرالمؤمنین علیه السلام با عناوینی هم چون ولی خدا، برادر رسولش و دفاع کننده از دین خدا یاد شده است و حضرت به عنوان فردی لقب گرفته که قرآن گویای برتری ایشان است. چرا که خداوند فرموده:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ * يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ﴾ (توبه: ۲۰-۲۱):

آن‌ها که ایمان آوردند، و هجرت کردند، و با اموال و جان‌هایشان در راه خدا جهاد نمودند، مقامشان نزد خدا برتر است؛ و آن‌ها پیروز و رستگارند! (ابن‌مشهدی، ۱۳۹۴ق: ۲۷۱).

واژه «اعظم» در این جا ثبوت فضیلت برای مؤمنان را می‌رساند؛ زیرا کافران هیچ‌گونه مقامی در پیشگاه خدا ندارند. (سبزواری، ۱۴۲۴ق: ۲۱/۴).

در روایات تفسیری، به نزول آیه در شأن امام علی علیه السلام، عباس بن عبدالمطلب و شیبه بن عثمان اشاره شده است. در کتاب شواهد التنزیل از سدّی نقل شده است که اشخاص مذکور، ضمن برشمردن افتخاراتی، خود را از دیگری برتر می‌دانستند. عباس، آب‌رسانی به حجاج بیت‌الله را از افتخارات خود می‌دانست. عثمان، ساختن بنای مسجد خدا را فضیلتی برای خود به حساب می‌آورد؛ و امام علی علیه السلام، هجرت همراه با رسول خدا صلی الله علیه و آله و جهاد در راه خدا را از افتخارات خود می‌دانست. به تبع این گفت‌وگو، خداوند این آیه را فرو فرستاد (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۳۲۴/۱). در تفسیر «الکشف و البیان» نیز این سبب نزول به نقل از «مجاهد» مطرح شده است (ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ۲۱/۵). حسینی استرآبادی در «تأویل الآیات الظاهرة» به این سبب نزول طی سه روایت، با سندهای گوناگون اشاره کرده است (استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۲۰۶/۱). در نتیجه، امیرالمؤمنین علیه السلام در مصداق این آیه با برخی از صحابه شریک است.

۲-۶. مصداق انحصاری برخی آیات

با مراجعه به شأن نزول‌های برخی آیاتی که در زیارت غدیر به کار رفته، مشخص می‌گردد که برخی فرازهای زیارت در درصدد تعیین مصداق خارجی آیه است. توضیح بیش‌تر این که آیات مذکور، ناظر به بیان فضیلت امام علی علیه السلام هستند و هیچ‌کس با حضرت در این فضایل شریک نیست.

در ابتدای زیارت غدیریه، از امام علی علیه السلام با عنوان امین خدا در زمین و نصیر خدا بر خلق یاد شده و حضرت مصداق نبأ عظیمی که در آیات ابتدایی سوره نبأ از آن یاد شده، لقب گرفته است:

﴿عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ﴾ (نبأ: ۲-۱)؛

آن‌ها از چه چیز از یکدیگر سؤال می‌کنند؟! از خبر بزرگ و پراهمیت (ابن‌مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۲۶۴).

آیات در صدد بیان حوادث روز قیامت است که از آن با عنوان روزی بزرگ یاد شده‌است. بشر در هنگام برانگیخته شدن از یکدیگر درباره آن می‌پرسند (طوسی، بی‌تا: ۳۲۹/۱۰؛ طبری، ۱۴۲۰ق: ۳۰/۳۰). اما پیرامون این آیات، تفسیری باطنی ارائه شده‌است که فراز مذکور از زیارت غدیریه نیز در صدد بیان این تفسیر باطنی است. در این تأویل، امیرالمؤمنین علیه السلام مصداق «نبا عظیم» عنوان شده که مورد اختلاف قرار گرفته‌است. علاوه بر این فراز از زیارت، بسیاری از روایات تفسیری نیز این معنای باطنی را پیرامون آیات مذکور نقل نموده‌اند. از جمله در تفسیر قمی این تفسیر باطنی از امام رضا علیه السلام نقل شده‌است (قمی، ۱۳۶۳ق: ۴۰۱/۲).

در تفسیر فرات کوفی این تأویل در دو روایت از امام باقر علیه السلام نقل شده‌است (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۵۳۳/۱). هم‌چنین در اصول کافی، از امام باقر علیه السلام روایتی نقل شده‌است که ایشان آیه را ناظر به امیرالمؤمنین علیه السلام می‌دانند و از لسان ایشان نقل می‌کنند که «برای خداوند عز و جل آیه‌ای از من بزرگ‌تر نیست و برای خدا نبایی نیست که از من بزرگ‌تر باشد» (کلینی، ۱۳۶۳: ۲۰۷/۱). در روایات تفسیری اهل سنت نیز، حاکم حسکانی طی سه روایت، این تفسیر باطنی را نقل نموده‌است (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۴۱۷/۲).

در قسمتی دیگر از زیارت، ابلاغ ولایت امام علی علیه السلام دستوری از جانب حق عنوان گشته و در تأیید این مطلب به آیه تبلیغ استدلال شده‌است:

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ (مائده: ۶۷).

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده‌است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد؛ و خداوند، جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند (ابن-مشهدی، ۱۴۷۱۹ق: ۲۷۱).

علامه طباطبایی (۱۳۷۴ش) در تفسیر المیزان ذیل آیه ۶۷ سوره مائده می‌نویسند:

در آیه دو نکته به‌طور روشن بیان شده یکی دستوری است که خدای تعالی به رسول صلی الله علیه و آله داده است (البته دستور اکیدی که پشت سرش فشار و تهدید است) به این که پیغام تازه‌ای را به بشر ابلاغ کند، و یکی هم وعده‌ای است که

خدای تعالی به رسول خود داده که او را از خطراتی که در این ابلاغ ممکن است متوجه وی شود نگهداری کند (۵۹/۶).

علامه در ادامه، ضمن بیان دلایلی، مقصود از افرادی که خداوند پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را از گزند خطرات ایشان حفظ می‌کند، برخی مسلمانان می‌داند و نه غیر مسلمانان و تفسیر جمله: «ما أُنزِلَ» به احکام و شرایع دینی را با ذکر دلایلی نفی می‌کند و در نهایت با ذکر ادله مستند قرآنی، سیاق آیات و هم‌چنین روایات تفسیری، نتیجه می‌گیرد که آن امر مهم و خطیری که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مأمور به ابلاغ آن شده است، ولایت و جانشینی امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام است (همان، ۶۲-۶۷).

در توضیح پیرامون شأن نزول آیه و مأموریت خطیر نبی مکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر اساس روایات تفسیری فریقین، ابتدا ذکر این نکته ضروری است که قرطبی در تفسیر خود، به صراحت ادعای اجماع می‌کند که سوره مائده، آخرین سوره‌ای است که نازل شده و برخی از آیات آن نیز در حجة الوداع نازل شده است (قرطبی، ۱۳۶۴: ۳۰/۶). جمله‌بندی آیه و لحن خاص و تأکیدهای پی‌درپی آن و هم‌چنین شروع آن با خطاب «یا ایها الرسول» و تهدید پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عدم تبلیغ رسالت در صورت کوتاهی کردن که منحصرأ در این آیه از قرآن آمده، نشان از آن دارد که سخن از حادثه‌ای مهم بوده است که عدم تبلیغ آن مساوی با عدم تبلیغ رسالت در مدت ۳۳ سال شمرده شده است. آن امر مهم و خطیر که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مأمور به ابلاغ آن شده است، «ولایت» یعنی تداوم نبوت است. این مطلب را روایاتی که می‌آید، تأیید می‌نماید. جمله «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» نیز نهایت تأکید و حکم مزبور را می‌رساند. این حکم در درجه و منزلتی است که اگر تنها آن را انجام ندهی، مثل آن است که به‌طور کلی، هیچ‌یک از رسالات خدا را که متحمل و متعهد شده‌ای، انجام نداده‌ای! که این همان ولایت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام است.

روایات بسیاری هست که شأن نزول آیه را روز عید غدیر می‌داند. در این قسمت از پژوهش به نقل یک روایت از شیعه و یک شاهد روایی از اهل سنت، در این زمینه بسنده می‌شود.

کلینی به سند صحیح خود از زراره، فضیل بن یسار، بکیر بن اعین، محمد بن مسلم، برید بن معاویه و ابی‌الجارود، جملگی از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام چنین نقل می‌کنند:

خداوند، پیامبرش را به ولایت علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمان داد و بر او چنین نازل کرد: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ؛ سرپرست ولی شما، تنها خداست و پیامبر او آن‌ها که ایمان آورده‌اند؛ همانها که نماز را برپا می‌دارند، و در حال رکوع،

زکات می‌دهند» (مائده: ۵۵) و نیز خداوند، ولایت اولی الامر را واجب کرد. آنان نمی‌دانستند که این ولایت چیست. پس خداوند به محمد صلی الله علیه و آله فرمان داد ولایت را برای آنان تفسیر کند، همان‌گونه که احکام نماز و زکات و روزه و حج را تفسیر می‌کند. چون این فرمان رسید، حضرت دلتنگ شد و نگران بود که نکند مردم از دینشان بگردند و ایشان را تکذیب کنند. حضرت به پروردگار خود رجوع کرد (و چاره خواست) پس خداوند چنین وحی فرستاد: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» پس حضرت، به فرمان خدا امر ولایت را آشکار ساخت و به معرفی ولایت علی عليه السلام در روز غدیر خم پرداخت. و به مردم فرمان داد تا حاضران به غایبان اطلاع دهند (کلینی، ۱۳۶۳: ۲۸۱/۱).

در تفسیر الدر المنثور اثر جلال الدین سیوطی ذیل آیه شریفه آمده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند مرا به رسالتی مبعوث فرمود که من از انجام آن عاجز ماندم و می‌دانستم که مردم مرا تکذیب می‌کنند، خداوند به من وعده داد که یا آن را ابلاغ کنم یا مرا عذاب نماید، در این حال بود که آیه نازل شد: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» و عبد بن حمید و ابن جریر و ابن ابی حاتم و أبو الشیخ از مجاهد روایت نموده‌اند: چون آیه نازل شد: «بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: پروردگارا! من یک تنه چه کار می‌توانم انجام دهم و حال آن که مردم دور مرا احاطه نموده‌اند. آیه نازل شد: «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» و ابن جریر و ابن ابی حاتم از ابن عباس روایت نموده‌اند: «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» یعنی: اگر آنچه به تو نازل شده را کتمان نمایی رسالتت را انجام نداده‌ای. و ابن ابی حاتم و ابن مردویه و ابن عساکر از أبوسعید خدری روایت کرده‌اند: آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» در روز غدیر خم در شأن علی بن ابی طالب عليه السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد و ابن مردویه از ابن مسعود روایت کرده‌است: ما در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله آیه را این گونه می‌خواندیم: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ عَلِيًّا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲/۲۹۸).

خاطر نشان می‌شود در زیارت غدیریه، پس از نقل آیه ۶۷ سوره مائده، حدیث نبوی «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» نقل شده که شاهی دیگر بر نزول آیه در فضیلت امام علی عليه السلام در روز غدیر است (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۲۷۱).

سپس در فرازی از خطبه، در توضیح آیات ولایت، به آیات ۵۵ و ۵۶ سوره مائده تأکید شده است. در آیه ۵۵ سوره مائده که به آیه ولایت مشهور است، ولایت امام علی علیه السلام در طول ولایت خدا و رسول صلی الله علیه و آله عنوان شده است:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ (مائده: ۵۵)؛

سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او آنها که ایمان آورده اند؛ همانها که نماز را برپا می دارند، و در حال رکوع، زکات می دهند (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ ق: ۲۷۲).



این آیه، یکی از واضح ترین دلایلی است که امامت بلا فصل علی علیه السلام را پس از پیامبر اثبات می کند. وجه استدلال این است که هر گاه «ولی» کسی باشد که مدبر امور مردم باشد و اطاعتش بر مردم واجب باشد و ثابت شود که مقصود از «الَّذِينَ آمَنُوا» علی علیه السلام است، به وسیله نص قرآن، امامت او ثابت و واضح خواهد بود (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۸۸/۷).

در جهت اثبات این مطلب که مراد از «الَّذِينَ آمَنُوا» علی بن ابی طالب علیه السلام است، می توان به روایات تفسیری فریقین در ذکر سبب نزول آیه مراجعه نمود. در این زمینه باید گفت: بسیاری از علمای فریقین، نزول آیه را پس از جریان بخشش انگشتی توسط امام علی علیه السلام به سائل می دانند. از جمله در منابع تفسیری اهل سنت، در تفسیر مقاتل بن سلیمان، نزول آیه در شأن امام علی بن ابی طالب علیه السلام نقل شده است (بلخی، ۱۴۲۳ ق: ۴۸۶/۱). در تفسیر طبری نیز نزول آیه در فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام طی دو روایت از امام باقر علیه السلام و مجاهد، ذکر شده است (طبری، ۱۴۱۲ ق، ۱۸۶/۶). در تفسیر بحر العلوم این سبب نزول از ابن عباس نقل شده است (سمرقندی، ۱۴۱۶ ق: ۴۰۰/۱). زمخشری (۱۴۰۷ ق) نیز این شأن نزول را در تفسیرش آورده است (۴۶۹/۱). سیوطی (۱۴۰۴ ق) در الدر المنثور این شأن نزول را طی ده روایت با سندهای گوناگون نقل کرده است (۲۹۳/۲-۲۹۴).

در منابع تفسیری شیعه، روایات مربوط به این شأن نزول بسیار زیاد است که جهت نمونه به ذکر چند شاهد بسنده می شود: در تفسیر قمی نزول این آیه در شأن امام علی علیه السلام و جریان بخشش انگشتی توسط حضرت، طی روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است (قمی، ۱۳۶۳ ش: ۱۷۱/۱). در تفسیر عیاشی، این شأن نزول پیرامون آیه، طی شش روایت با سندهای گوناگون

نقل شده است (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۳۲۷-۳۳۹). شیخ طوسی (بی تا) در التبیان نقل این سبب نزول را به مجاهد، سدی، رمانی و طبری و هم‌چنین جمیع علمای شیعه نسبت می‌دهد (۵۵۸/۳). سیدمرتضی علم‌الهدی (۱۴۳۱ق) در تفسیر خود، ضمن نقل شأن نزول آیه، دلالت آیه را بر ولایت و جانشینی بلافضل امام علی علیه السلام واضح می‌داند (۱۵۷/۲). طبرسی (۱۳۷۲ش) در مجمع‌البیان این شأن نزول را مورد اتفاق خاصه و عامه می‌داند (۳۲۶/۳).

لذا با کنار هم نهادن فراز مذکور از زیارت غدیریّه و شأن نزول‌های نقل شده پیرامون آیه ۵۶ سوره مائده، می‌توان امیرالمؤمنین علیه السلام را مصداق خارجی آیه و تنها فردی معرفی کرد که در رکوع نماز خود صدقه داده و به مقام ولایت رسیده است.

خاطر نشان می‌شود آیه ۵۶ سوره مائده نیز با آیه ولایت گره خورده است. این موضوع در زیارت غدیر نیز تجلی یافته است و پس از نقل فضیلت حضرت، طبق آیه ۵۶ مائده، به آیه ۵۷ این سوره نیز اشاره شده است. در آیه ۵۶ سوره می‌خوانیم: ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾؛ و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او افراد باایمان را بپذیرند، پیروزند؛ (زیرا) حزب و جمعیت خدا پیروز است.

این آیه بیان‌گر آن است که ولایت سابق، ولایت تصرف است و برای غیر خدا و جانشینانش جز قبول آن چیزی نیست و هر کس از مردم آن ولایت را قبول کند، بدین نحو که استعداد ظهور ولایت در خودش را داشته باشد، به خدا و جانشینان او مرتبط می‌شود، و هر کس با خدا مرتبط شد از حزب الله می‌شود و هر کس از حزب الله شود غالب می‌شود.

در لفظ آیه دلالت‌های واضحی است بر این که مقصود از ولایت، ولایت تصرف است، و این که آن ولایت بعد از رسول برای همه مؤمنین نیست، بلکه برای کسانی است که متصرف به صفات مخصوص باشند. هر کس می‌خواهد باشد چند نفر باشند یا یک نفر. خواه بگوئیم آیه درباره علی علیه السلام نازل شده است یا نگوئیم. ولی به اتفاق فریقین این اوصاف جز در علی علیه السلام در کسی یافت نمی‌شود و آیه در حق علی علیه السلام نازل شده است.

مقصود از کسانی که ایمان آورده‌اند در اینجا همان کسانی هستند که در آیه سابق موصوف شده‌اند، چون نزد اهل فن ثابت شده است که وقتی معرفه تکرار شود عین اولی می‌شود (گنابادی، ۱۴۰۸ق: ۹۲/۲).

در تفسیر مقاتل بن سلیمان ذیل آیه شریفه، مراد از «وَالَّذِينَ آمَنُوا»، علی بن ابی طالب علیه السلام معرفی شده است و مقصود از «حِزْبِ اللَّهِ» شیعیان ایشان عنوان شده است (بلخی، ۱۴۲۳ق: ۴۸۷/۱). حاکم حسکانی (۱۴۱۱ق) در شواهد التنزیل طی نقل روایتی از ابن عباس، منظور از «وَالَّذِينَ آمَنُوا» را حضرت علی علیه السلام، و مراد از «حِزْبِ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» را «شِيعَةَ اللَّهِ وَ شِيعَةَ مُحَمَّدٍ وَ شِيعَةَ عَلِيٍّ» معرفی می‌کند (۲۴۶/۱).

در قسمتی دیگر از نقل آیات ولایت در زیارت غدیر، به نزول آیه ۲۰۷ سوره بقره در شأن امام علی علیه السلام اشاره شده است. در این آیه می‌خوانیم: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ»؛ کسی دیگر از مردم برای جستن خشنودی خدا جان خویش را فدا کند. خدا بر این بندگان مهربان است (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۲۷۹).

از جمله «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ...» فهمیده می‌شود در آن روز مردی وجود داشته که جز به پروردگار خود نمی‌بالیده، و جز به دست آوردن رضای خدای تعالی هیچ هدفی را دنبال نمی‌کرده. مردی بوده که رفتارش امر دین و دنیا را اصلاح می‌کرده، و به وسیله او حق احقاق می‌شده، و عیش انسان‌ها پاکیزه می‌شده، و بشر از برکات اسلام برخوردار می‌شده (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۱۴۷/۲).

در زیارت غدیریه، این آیه به‌عنوان یکی از آیات فضایل امام علی علیه السلام، به اجمال مطرح شده است. اما پیرامون شأن نزول آیه باید گفت: برخی مفسران فریقین، نزول این آیه را طی ماجرای هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه و خوابیدن امام علی علیه السلام در بستر ایشان دانسته‌اند و این آیه را به‌عنوان فضیلتی بزرگ برای حضرت محسوب نموده‌اند. میبیدی (۱۳۷۱ش) در کشف الاسرار ذیل آیه می‌نویسد: «و گفته‌اند، که این آیت در شأن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام آمد آن‌گه که مصطفی هجرت کرد، و علی را بر جای خواب خود خوابانید» (۵۵۴/۱). ثعلبی (۱۴۲۲ق) در تفسیر خود، شأن نزول مذکور را از ابن عباس نقل می‌کند (۱۲۶/۲).

شیخ طوسی (بی‌تا) در التبیان این شأن نزول را از امام باقر علیه السلام روایت کرده است (۱۸۳/۲). در تفسیر مجمع البیان از سدی و ابن عباس نقل شده که این آیه درباره علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شد هنگامی که مشرکان تصمیم بر قتل رسول اکرم صلی الله علیه و آله داشتند و آن حضرت از مکه خارج شد و به غار «ثور» پناه برد.

در آن شب علی! در رختخواب رسول اکرم خوابید و در بین مکه و مدینه این آیه فرود آمد. در ادامه آمده است که وقتی علی علیه السلام در رختخواب پیغمبر خوابید جبرئیل در بالای علی علیه السلام و میکائیل در پایین پایش ایستاده بودند و جبرئیل فریاد می‌زد: «آفرین، آفرین بر مثل تو باد که خداوند به تو بر ملائکه مباحثات کرد» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۶۸/۲).

لذا طبق شأن نزول‌های مذکور می‌توان آیه را به‌عنوان فضیلتی منحصر به فرد برای امام علی علیه السلام برشمرد. چرا که حضرت برای حفظ جان رسول خدا صلی الله علیه و آله و به تبع آن نجات آیین اسلام، از ایثار جان خود دریغ نورزید و در نتیجه، رضا و قرب الهی را نایل شد.

نتیجه‌گیری

مسئله کلیدی این پژوهش، چگونگی مصداق‌یابی آیات زیارت غدیریه است. این پژوهش، با توجه به محور کلی زیارت، بررسی آیات حوزه ولایت در این زیارت و همچنین بررسی شأن نزول این آیات در منابع فریقین را رهیافتی مناسب جهت پاسخ به این پرسش می‌داند و نشان می‌دهد:

۱. زیارت منسوب به غدیریه به‌واسطه بزرگانی هم‌چون شاذان بن جبرئیل، عمادالدین طبری، شیخ طوسی، شیخ مفید و... از امام حسن عسکری علیه السلام و امام هادی علیه السلام نقل شده و در کتاب‌هایی هم‌چون المزار الکبیر ابن مشهدی، المزار شهید اول، بحار الأنوار مجلسی و... مندرج است. وثاقت تمام راویان این زیارت از کتاب‌های رجالی قابل اثبات است و این موضوع نشان‌دهنده صحت سند این زیارت است. در این زیارت، ۵۰ آیه از قرآن کریم تجلی یافته که نشان‌دهنده انتقان محتوایی آن است؛

۲. بسیاری از آیات ذکرشده در این زیارت، در حوزه ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است. این موضوع را می‌توان با مراجعه به محتوا و سیاق زیارت و همچنین شأن نزول‌هایی که در منابع معتبر فریقین پیرامون آیات نقل شده است، دریافت. طبق شأن نزول‌ها، امام علی علیه السلام در مصداق برخی از این آیات با مؤمنین شریک است و در برخی آیات نیز تنها مصداق خارجی امام علی علیه السلام معرفی شده است؛

۳. با مراجعه به روایات تفسیری پیرامون آیاتی که در زیارت غدیریه ذکر شده است، این نتیجه حاصل شد که امام علی علیه السلام در فضیلت آیات زیر با اولیای الهی و برخی مؤمنان شریک است:

آیات ۲۰ و ۲۱ و ۱۱۱ توبه که در آن وعده جاودانه شدن در بهشت به سبب جهاد در راه خدا داده شده است، آیاتی از سوره انسان و هم چنین آیه نهم سوره حشر که به سبب بخشش طعام به مسکین، یتیم و اسیر توسط اهل بیت علیهم السلام نازل شده است. آیه ۳۳ احزاب که به آیه تطهیر مشهور است و به عصمت اهل بیت علیهم السلام دلالت دارد. آیه ۱۱۹ توبه که از برخی افراد با عنوان «صادقین» یاد شده است؛

۴. مصداق خارجی برخی آیات در حوزه ولایت در زیارت غدیریه، منحصر به امام علی علیه السلام می شود: آیات ۱ و ۲ سوره نبا که در آن پرسش از خبری عظیم در روز قیامت مطرح شده. آیه ۶۷ سوره مائده که به آیه تبلیغ مشهور است و در آن فرمان ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام به مردم توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله مطرح شده. آیه ۵۵ مائده که به آیه ولایت مشهور است و طی جریان بخشش انگشتر توسط امیرالمؤمنین علیه السلام در رکوع نماز نازل شده. آیه ۲۰۷ سوره بقره که به جهت ایثار امام علی علیه السلام و خوابیدن در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است، از این دسته اند که با مراجعه به روایات تفسیری فریقین این مطلب قابل اثبات است.



کتاب نامه

- قرآن کریم؛
- آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب-العلمیة؛
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم، ریاض: مکتبة - نزار الباز؛
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۹). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ۴ جلد، قم: علامه؛
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر. (۱۴۱۹ق). المزار الکبیر، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، ۱ جلد، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلد، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی؛
- ابویعلی موصلی، احمد بن علی. (بی تا). مسند ابویعلی، دمشق: دارالمأمون للتراث؛
- استرآبادی، علی (۱۴۰۹ق). تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، قم: جامعة-المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم؛
- بلخی، مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان، ۵ جلد، بیروت: دار احیاء التراث العربی؛
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل وأسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث-العربی؛
- ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۰۳ق). سنن ترمذی، بیروت: دارالفکر؛
- ثعلبی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲ق). الكشف و البیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ جلد، بیروت: دار احیاء التراث العربی؛
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸ش). تفسیر تسنیم، چاپ اول، قم: مرکز نشر اسراء؛
- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله. (۱۴۱۱ق). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ۳ جلد، تهران: وزارت ارشاد اسلامی؛
- خوبی، ابوالقاسم. (۱۹۹۲م). معجم رجال الحدیث، بی جا: مرکز نشر ثقافتة الإسلامیة؛
- رستمی، علی اکبر. (۱۳۸۰). آسیب شناسی و روش شناسی تفسیر معصومان علیهم السلام، بی جا، کتاب مبین؛

- زمخشري، جارالله محمود بن عمر. (١٤٠٧ق). تفسير الكشاف، بيروت: دارالكتب العلمية؛
- سمرقندي، نصر بن محمد. (١٤١٦ق). تفسير بحر العلوم، بيروت: دارالفكر؛
- سيوطي، جلال الدين عبدالرحمن. (١٤٠٤ق). الدر المنثور في تفسير المأثور، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي؛
- شهيد اول، محمد بن مكي. (١٤١٠ق). المزار في كيفية زيارات النبي و الأئمة عليهم السلام، قم: مؤسسه امام مهدي (عج)؛
- طباطبائي، سيد محمد حسين. (١٣٧٤ش). ترجمه تفسير الميزان، ترجمه محمد باقر موسى، ٢٠ جلد، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛
- طبراني، سليمان بن احمد. (٢٠٠٨م). تفسير القرآن العظيم، اردن: دارالكتاب الثقافي؛
- طبرسي، فضل بن حسن. (١٣٧٢ش). مجمع البيان في تفسير القرآن، تصحيح فضل الله يزدى، ١٠ جلد، تهران: ناصر خسرو؛
- طبري، محمد بن جرير. (١٤١٢ق). جامع البيان عن تأويل آي القرآن، بيروت: دارالمعرفة؛
- طوسي، محمد بن حسن. (بى تا). التبيان في تفسير القرآن، بيروت: دار إحياء التراث العربى؛
- _____. (١٣٧٣). رجال الطوسي، قم: مؤسسة النشر الإسلامى؛
- علوى مهر، حسين. (١٣٨١). روش ها و گرايش هاى تفسيرى، قم، اسوه؛
- عياشى، محمد بن مسعود. (١٣٨٠). تفسير عياشى، تهران: چاپخانه علميه؛
- فرات كوفى، فرات بن ابراهيم. (١٤١٠ق). تفسير الفرات الكوفى، تهران: وزارت ارشد اسلامى؛
- فخر رازى، محمد بن عمر. (١٤٢٠ق). تفسير الكبير أو مفاتيح الغيب، بيروت: دار إحياء التراث العربى؛
- قمى، على بن ابراهيم. (١٣٦٣ق). تفسير قمى، ٢ جلد، تحقيق: طيب موسى جزايرى، قم: دارالكتاب؛
- قمى، شيخ عباس. (١٣٨٣ق). هدية الزائرین و بهجة الناظرین، قم: مؤسسه سبطين؛
- كلينى، محمد بن يعقوب. (١٣٦٣ق). اصول كافي، تهران: دارالكتب الإسلامية؛
- گنابادى، سلطان محمد. (١٤٠٨ق). تفسير بيان السعادة في مقامات العبادة، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات؛
- مامقانى، عبدالله بن محمد حسن. (١٣٥٢). تنقيح المقال في علم الرجال، نجف: چاپخانه مرتضويه؛

- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی؛
- _____ . (۱۴۲۳ق)؛ زاد المعاد- مفتاح الجنان، بیروت: مؤسسة الأعلمی؛
- مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف، قم: دارالکتاب الاسلامی؛
- میبدی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱ش). کشف الأسرار و عدّة الأبرار، تهران: امیر کبیر؛
- ناصح، علی احمد. (۱۳۸۷). اعتبار و کاربرد روایات تفسیری، قم، بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه)؛
- نجاشی، احمد بن علی. (۱۴۱۶ق). رجال النجاشی، قم: مؤسسه نشر اسلامی؛
- نصیری، علی. (۱۳۸۵). رابطه متقابل کتاب و سنت، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و ارشاد.